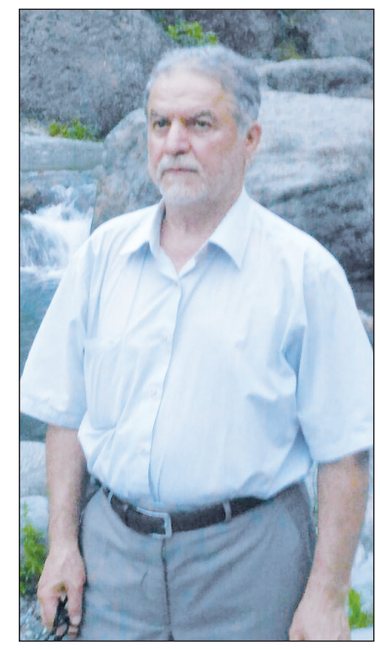

احمد درگاهی، رئیس سازمان تربیت بدنی دوران دفاع مقدس در گفت‌وگو با «جوان»:

عشق و ایمان ورزشکاران در سال‌های جنگ بیشتر از بودجه کارایی داشت

گفت‌وگو
شیوا نوروزی

ورزش ایران برای رسیدن به قله افتخارات سختی‌های زیادی را پشت سر گذاشته است. اینکه امروز قهرمانان و مدال‌آوران کشورمان به تورنمنت‌های معتبر می‌روند و با دست پر به میهن بازمی‌گردند را مدیون مدیرانی هستیم که در سخت‌ترین شرایط ایستادگی کردند و دست از تلاش نکشیدند. در حالی که مدیران فعلی ورزش تحت هر شرایطی تلاش می‌کنند میز ریاستشان را حفظ کنند نباید از یاد ببریم مدیران در دوران جنگ تحمیلی چگونه با کمبودها ساختند و با تکیه بر ایمان، صداقت و اتحاد بهترین تصمیمات را گرفتند. با اینکه سه دهه از آن زمان گذشته است اما باید یادآوری کنیم که قطار ورزش در هشت سال دفاع مقدس از حرکت نایستاد و به رغم همه کمبودها و مشکلات امید و انگیزه را به جامعه تزریق می‌کرد.

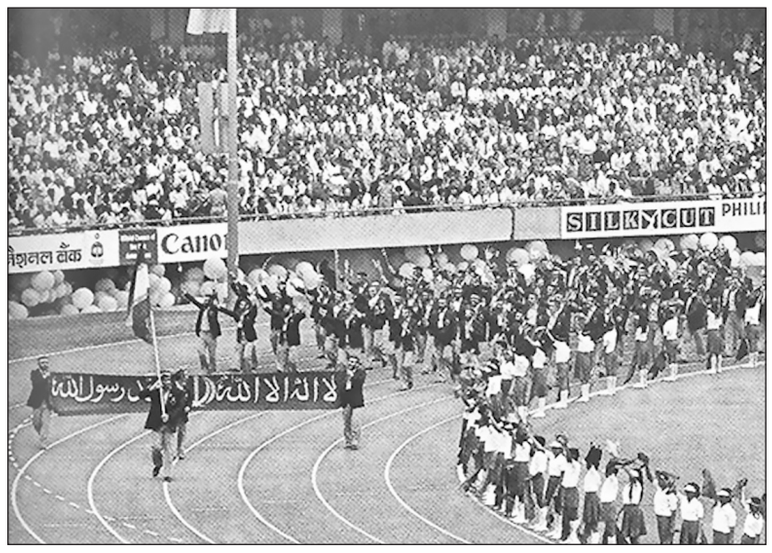

سازمان تربیت بدنی در شرایط جنگی مسئولیت سنگینی بر دوش داشت؛ با بودجه‌ای اندک و وضعیت حاکم برجامعه زنده نگه داشتن رشته‌های ورزشی و عرض اندام در میادین بین‌المللی واقعاً دشوار بود. احمد درگاهی یکی از مدیرانی بود که در چهار سال دوم جنگ تحمیلی ریاست سازمان تربیت بدنی را برعهده داشت و کسب رتبه چهارم در بازی‌های آسیایی ۱۹۸۶ نیز در همان دوران اتفاق افتاد. درگاهی اگرچه سال‌ها از مدیریت ورزش دور بوده است، اما ایمان و تعهد مسئولان را فاکتور اصلی موفقیت ورزش می‌داند. رئیس اسبق سازمان تربیت بدنی در گفت‌وگو با «جوان» سختی‌های مدیریت ورزش در هشت سال دفاع مقدس را بازگو کرد: «سال‌ها از آن دوران می‌گذرد، دورانی که سختی‌هایی داشت و مسئولیت‌های اجتماعی و سیاسی بر عهده سازمان تربیت بدنی کشور گذاشته شده بود که در حد مقدورات انجام می‌شد. جنگ مسئله اول کشور تلقی می‌شد و همه امکانات، نیروها و بودجه متوجه جبهه‌های حق علیه باطل بود. برای خدمات رفاهی از جمله خدمات ورزشی بودجه و امکانات کمی به ورزش تعلق می‌گرفت. چند سالی هم بیشتر از انقلاب اسلامی نگذشته بود و بخش خصوصی چندان به عرصه نیامده بود، به همین دلیل اغلب کارها از طریق امکانات دولتی انجام می‌شد، اما انگیزه‌ها و ایمان قوی مسئولان آن روزها در کشور و از جمله سازمان ورزش کشور مایه امید بود.»

■ خلوص نیت راهگشا بود

نحوه مدیریت ورزش در سال‌های جنگ تفاوت‌های زیادی با امروز داشت تا جایی که به گفته درگاهی کارگزاران تعهد و اراده را سرلوحه کارشان قرار می‌دادند: «عشق و ایمان بیشتر از امکانات و بودجه کارایی داشت و با بودجه‌های اندک کارهای بزرگ انجام می‌شد. پس از پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی توقفی در سطح فعالیت‌های ورزشی داشتیم و خیلی چیزها باید از نو ساخته می‌شدند. توقعات با گذشته تغییر کرده بود، اما تعهد، ایمان، صفا، اراده و صداقت کارگزاران دوران هشت سال دفاع مقدس راهگشای کار بود. اگرچه تجربه‌ها برای مدیریت‌های بزرگ کم بود و افراد دانش کافی نداشتند اما خلوص نیت موجب می‌شد ورزش از حرکت نایستد.»

■ استارت ورزش بانوان

زنان ورزشکار ایرانی سال‌هاست پا به پای مردان تمرین می‌کنند و حضوری موفق در عرصه ورزش جهان دارند. مدال‌های خوشرنگ در رقابت‌های مختلف مهر تأییدی بر حضور پررنگ بانوان با حجاب اسلامی در میادین ورزشی است. این مسئله در دوران دفاع مقدس نیز از چشم مدیران ورزش پنهان نمانده بود. رئیس اسبق سازمان تربیت بدنی در ادامه صحبت‌هایش از تشکیل اداره کل ورزش بانوان سخن گفت: «ورزش بانوان در آن دوران محلی از اعراب نداشت و خیلی‌ها سؤال می‌کردند مگر خانم‌ها هم می‌توانند ورزش کنند! اولین بار در کشور اداره کل و هیئت‌های ورزش بانوان شکل گرفتند. در دوره مدیریت آقای داودی کمیته ورزش بانوان در سازمان تربیت بدنی تشکیل شده بود که البته فعالیت‌های محدودی داشت. پس از آنکه مسئولیت سازمان به من محول شد تلاش کردم این کمیته را به سطح اداره کل ارتقا دهم و پس از آن نیز کمیته‌های بانوان در رشته‌های مختلف زیر نظر همین اداره کل تشکیل شد. سعی کردیم رشته‌هایی که در بخش بانوان متوقف شده بود را با جذب علاقه‌مندان راه بیندازیم و پس از آن هم کلاس‌های آموزشی، داوری و مربیگری در سطوح مختلف برای بانوان تشکیل شدند. در سال آخر مدیریتم اعلام کردم ورزش بانوان پتانسیل حضور در رقابت‌های برون مرزی را دارد و من تأکید زیادی روی رشته تیراندازی داشتم. البته برخی روزنامه‌ها به این مسئله اعتراض کردند و جنجال به راه انداختند. اولین بار من بحث حضور بانوان با حجاب اسلامی در میادین ورزشی را مطرح کردم.»

> **در سال آخر مدیریتم اعلام کردم ورزش بانوان پتانسیل حضور در رقابت‌های برون مرزی را دارد و من تأکید زیادی روی رشته تیراندازی داشتم. البته برخی روزنامه‌ها به این مسئله اعتراض کردند و جنجال به راه انداختند**

■ تأکید بر ورزش همگانی

توسعه ورزش همگانی یکی از نیازهای ضروری جامعه است؛ نیازی که در دوران جنگ بیش از همیشه بود. ترویج ورزش همگانی از دیگر اقدامات صورت گرفته در زمان مدیریت احمد درگاهی بود: «در همان دوران جنگ بسیاری از طرح‌ها انجام شد از جمله تأسیس انستیتوی ورزش، مراکز تربیت معلم ورزش برای تأمین نیروی انسانی کارآمد، پرداختن به ورزش همگانی و پایه‌ریزی تشکیل مجامع عمومی فدراسیون‌های ورزشی. ورزش همگانی در دوران دفاع مقدس مورد توجه قرار گرفت و تلاش کردیم با ترویج شعار «کمک ورزش به سلامت جامعه» اداره کل ورزش‌های همگانی که بعداً به فدراسیون تبدیل شد را تأسیس کنیم. تشویق مردم به ورزش در پارک‌ها و دعوت جامعه به ورزش همگانی از دیگر برنامه‌های ما بود.»

■ بودجه محدود

کمترین بودجه دولتی در زمان جنگ به ورزش تعلق می‌گرفت، اما مدیران سازمان تربیت بدنی و فدراسیون‌ها با کمترین هزینه بهترین نتایج را می‌گرفتند: «باور کردنی نیست اگر بگویم در سال ۶۸ بودجه کل ورزش ایران اعم از قهرمانی، عمرانی و سایر حوزه‌ها کمتر از یک میلیارد تومان بود! خاطرم هست پس از تخصیص بودجه به فدراسیون تازه تأسیس بدمینتون ۱۵۰ هزار تومان تعلق گرفت. کشتی ورزش اول و مدال‌آور ایران فقط ۴ میلیون تومان بودجه گرفت آن هم برای یک سال! این ارقام قطعاً کفاف هزینه‌هایشان را نمی‌داد. با این بودجه‌های اندک واقعاً حفظ مقام چهارمی آسیا غیرممکن بود. در بازی‌های المپیک ۱۹۸۸ و پس از دو دوره غیبت در المپیک حضور پیدا کردیم.»

■ وضعیت مطلوب نیست

احمد درگاهی همچنین بر برآورده نشدن انتظارات در بخش مدیریت ورزش تأکید کرد: «هر دوره‌ای از تاریخ شاخص‌های خاص خود را دارد و نمی‌توان شرایط دوران جنگ را با امروز مقایسه کرد. البته این را هم بگویم که بسیاری از سیاستمداران آن زمان اعتقادی به ورزش نداشتند به همین خاطر برای جلب نظر آنها باید تلاش مضاعفی می‌کردیم. امروز اما به طور کلی وضعیت فعلی مدیریت ورزش کشور را باتوجه به این امکانات زیاد مطلوب نمی‌دانم و انتظارات را برآورده نمی‌کند. لایحه تشکیل وزارت ورزش در دوران جنگ داده شد اما متأسفانه لایحه فوق در دولت وقت و مجلس متوقف ماند.»

■ چهارمی آسیا

به گفته درگاهی جا نماندن از ورزش قهرمانی و قرار گرفتن بین چهار تیم برتر آسیا کارنامه موفق ورزش ایران در دوران دفاع مقدس را تکمیل کرد: «در ورزش قهرمانی هم بیکار ننشستیم. با همه سختی‌ها کاروان ایران به بازی‌های آسیایی ۱۹۸۶ سئول اعزام شد و مقام چهارم را کسب کرد. با اینکه تعداد ورزشکاران اعزامی‌مان در آن دوران با توجه به امکانات محدودمان بسیار اندک بود اما رقبای اصلی‌مان یعنی چین، کره و ژاپن حضور داشتند. ما در حضور آنها توانستیم به رغم شرایط جنگی جایگاه‌مان را حفظ کنیم. در حقیقت اصلی‌ترین گام‌ها که در این دوران برداشته شد باعث شد استعدادهای زیادی را شناسایی و برای استفاده از توانایی‌شان تلاش کنیم. در دوران جنگ کشور نیازمند آن بود که به دنیا معرفی شود و عرض اندام کند.»

گفت‌وگوی «جوان» با وحید سلامات
مربی خوزستانی فوتبال و رزمنده سال‌های دفاع مقدس

آدم در جنگ زود بزرگ می‌شود

برای وطنمان جنگیدیم نه پست و مقام

گفت‌وگو
دنیا حیدری

جنگ یعنی آوارگی، یعنی خمپاره، یعنی خون، یعنی اتفاقات تلخی که با گذر زمان، فراموش نمی‌شود، یعنی از دست دادن عزیزانی که با هر نگاهی به گوشه و کنار شهر، نبودشان یادآور می‌شود، اما دفاع مقدس هشت ساله مردم ایران معنای تازه‌ای به جنگ بخشید. جنگ برای مردم ایران یعنی فداکاری، یعنی ایثار، یعنی از خودگذشتگی، یعنی گذاشتن جان عزیز، یعنی شهادت و جانبازی. اتفاقی که خیلی‌ها را از عالم کودکی به بزرگسالی پرتاب کرد، چراکه دیگر فرصتی برای کودکی کردن باقی نمانده بود بسیاری چون وحید سلامات مربی کهنه‌کار فوتبال خوزستان و باشگاه صنعت نفت. جنگ او را در عرض دو سال ۲۰ سال بزرگ‌تر کرد. پدر که به خیل شهدا پیوست وحید برابر دشمن قد علم کرد تا دستش را از آب و خاک و ناموس وطن کوتاه کند.

همان ابتدای جنگ بود که پدرتان شهید شد؟ روزهایی که شاید هنوز درک درستی از واقعه تلخی که قرار بود سال‌ها گریبانگیر ایران شود نداشتید. حالا بعد از سال‌ها، هفته دفاع مقدس برایتان یادآور چیست؟

یادآور آوارگی، خمپاره، ویرانی، خون، شهادت و اتفاقات تلخی که هرگز از خاطرمان پاک نمی‌شود. البته جنگ که شروع شد، من خیلی کم سن و سال بودم. فقط ۱۴ سال داشتم. درک درستی از آنچه رخ می‌داد نداشتم، اما بزرگ‌تر که شدم، کم‌کم واقعیت‌های تلخ خود را نشان داد. واقعیت‌هایی که تازه خیلی از آنها برای ما به اندازه آنهایی که از نزدیک تجربه‌اش کرده بودند ملموس نبود.

پدر چطور به شهادت رسیدند؟

پدرم در پالایشگاه نفت کار می‌کرد. اوایل جنگ که پالایشگاه را بمباران می‌کردند، برای مهار آتش و سرایت نکردن آن به دیگر قسمت‌ها، با ماشین خاک می‌بردند و می‌ریختند برای خاموش کردن آتش و ایمن‌سازی که در یکی از رفت و آمدها، پدرم زخمی می‌شود و او را به تهران اعزام می‌کنند اما به شهادت می‌رسد و در قم ایشان را به خاک می‌سپارند. قسمتش این بود که از خوزستان نزدیک حضرت معصومه(س) برود.

زمان جنگ، سن و سال زیادی نداشتید. چگونه توانستید رضایت خانواده را برای رفتن به جبهه بگیرید؟

تقریباً ۱۶ سال داشتم که به جبهه رفتم. در عرض دو سال، خیلی بزرگ شده بودم. باید هم اینطور می‌شد. جنگ آدم را بزرگ می‌کند. دیگر جایی برای بچگی کردن نیست. کم‌کم واقعیت‌ها رنگی متفاوت به خود می‌گیرد. انگار معنای واقعی جنگ را به تازگی می‌فهمید. آن وقت است که نمی‌توانید بی‌تفاوت به تماشا بنشینید. باید کاری کنید. نمی‌توانید اجازه دهید دشمن غاصب خاک شما را بگیرد، خانواده‌تان را بکشد و آواره‌تان کند. خانواده‌ام خیلی مخالف بودند. این جنگ پدرم را گرفته بود و طاقت نداشتند یکی دیگر را هم بگیرد. برادر و پسرعموهایم هم جبهه رفته بودند. سخت بود اما قانعشان کردم که باید بروم و رفتم.

جنگ اما با کسی شوخی ندارد. جنگ تیر و تفنگ، خمپاره و گلوله و مرگ و شهادت است، هیچ‌وقت نترسیدید؟

مگر می‌شود نترسید. اولش شما می‌ترسید اما باید در آن شرایط باشید. دیگر ترس معنایی ندارد، نمی‌توانید به ترسی که دارید بها دهید. این خاک شماست که به محلی برای تاخت و تاز دشمن بی‌رحم تبدیل شده است. این خانه دوستان، آشنایان و هموطنان شماست که یکی پس از دیگری ویران و به تلی از خاک تبدیل می‌شود. نمی‌توانید دست روی دست بگذارید. باورها و اهدافتان باعث می‌شود به ترسی که دارید غلبه کنید. ما نباید این اجازه را می‌دادیم. خودمان باید دست به کار می‌شدیم. باید دست به دست هم برای تمام کردن این رذالت می‌دادیم. می‌دانستیم وقتی می‌رویم، ممکن است برگشتی در کار نباشد، اما هر یک جانی که تقدیم می‌کردیم، می‌توانست ضامن جان هزاران نفر باشد. پس دیگر ترس نمی‌توانست معنایی داشته باشد و شما را از رفتن بازدارد.

> **ما اگر جنگیدیم، برای حفظ خاک وطن و حفظ جان خانواده‌مان بود نه برای آنکه روزی عوض آن را بگیریم. آنهایی که دنبال اینها هستند، در نظر مردم هم جایگاهی ندارند. من اینطور نمی‌پسندم. با بقیه هم کاری ندارم. هر کس خودش می‌داند و خدای خودش**

از زمین فوتبال به میدان جنگ رفتن چطور بود؟ تا دیروز دنبال توپ می‌دویدید و به یکباره باید با توپ مقابله می‌کردید.

آدمیزاد خودش را با شرایط وفق می‌دهد. ما در جبهه هم فوتبال بازی می‌کردیم. هر وقت بیکار بودیم، بازی می‌کردیم. گاهی حین بازی صدای خمپاره، انفجار و بمباران می‌آمد، سریع روی زمین دراز می‌کشیدیم، اما وقتی صداها می‌خوابید و تمام می‌شد، بلند می‌شدیم و بازی را ادامه می‌دادیم، یعنی اینطور نبود که در جنگ فوتبال را کنار بگذاریم. باید روحیه خودمان را حفظ می‌کردیم.

مجروح یا جانباز هم شدید؟ یعنی جنگ یادگاری برایتان به جا گذاشت؟

دوبار مجروح شدم. سال ۶۳ ترکش خوردم و سال ۶۵ هم شیمیایی شدم. جنگ بخور بخور هم داشت. ترکش، تیر، شیمیایی و... اما قسمت تلخ آن وقتی بود که عزیزانت جلوی چشمانت جان می‌دادند و کاری از دستت برنمی‌آمد. یکی از دوستانم در بغل خودم ترکش خورد. به شدت زخمی شد و به بیمارستان اعزامش کردند اما به شهادت رسید. خیلی‌ها رفتند و ما ماندیم. جایشان خیلی خالی است و نبودشان آزاردهنده.

این جانبازی برای وحید سلامات به چه معنا بود؟ خاطره‌ای از جنگ و یادآور روزهای تلخ آوارگی یا کمکی برای گذران زندگی؟

می‌دانم منظورتان چیست. اولاً جانبازی من زیاد نیست، نهایتا ۳۰، ۳۵ درصد، اما اگر زیاد هم بود، باز معنایی نداشت. جانبازی خاطره‌ای از روزهای سختی است که پشت سر گذاشتیم، نه چیزی دیگر. حداقل برای من اینطور نیست. نگاه آدم‌ها با هم فرق دارد. شاید برای برخی دستاویزی برای رسیدن به پست و مقام باشد، اما برای من اینطور نیست. اصلاً وجهه قشنگی ندارد که بخواهیم با این دستاویز دنبال پست و مقام و جایگاه باشیم. ما اگر جنگیدیم، برای حفظ خاک وطن و حفظ جان خانواده‌مان بود نه برای آنکه روزی عوض آن را بگیریم. آنهایی که دنبال اینها هستند، در نظر مردم هم جایگاهی ندارند. من اینطور نمی‌پسندم. با بقیه هم کاری ندارم. هر کس خودش می‌داند و خدای خودش.

وقتی این رفتارها را می‌بینید، دلسرد نمی‌شوید؟ یعنی اگر دوباره به آن دوران برگردید باز هم همان راه را می‌روید یا رفتارهای برخی این روزها باعث می‌شود تصمیمی دیگر بگیرید؟

خیر، من کاری با کسی ندارم. هزار بار هم که به عقب برگردم، دوباره همان راه را می‌روم و برای حفظ خاک کشورم می‌جنگم. نمی‌خواهم شعار بدهم نه، خیلی سخت است. ما همه آن اتفاقات را در فیلم‌ها می‌دیدیم اما همه به یکباره مقابل چشمانمان بود. چیزی که امروز اگر در تلویزیون ببینیم، با پوست و گوشت خود حسش می‌کنیم.

می‌دانید هنوز بسیاری از مردم و جوان‌ترها با واقعیت‌های جنگ بیگانه‌اند. برای آشنا کردن آنها با مفهوم و فرهنگ جنگ چه باید کرد؟

باید کار کرد؛ کار فرهنگی. نباید شعار داد. این بچه‌ها کافی است پای واقعیت‌های آن روزها بنشینند، پای حرف‌ها، خاطرات و درد دل آنها که از نزدیک شاهد اتفاقات و جزئی از آن بودند. باید برایشان آن روزهای سخت را به تصویر کشید تا بدانند. وقتی نمی‌دانند، نمی‌توان توقع داشت که درک کنند.

چند روز پیش در سالروز واقعه جنگ هشت ساله ایران اهواز بار دیگر به خون کشیده شد و زن و بچه مردم به شهادت رسیدند. اتفاقات آن روز، تلخی‌های جنگ را برایتان تداعی نکرد؟

حرف زدن در موردش هم آسان نیست. خیلی تلخ و دردناک بود. آن روزها شما دشمن خود را می‌دیدید اما چند روز قبل، آنهایی که مردم را به رگبار گلوله بستند، از پشت خنجر زدند. بسیار تلخ و دردناک بود. امیدوارم هرگز شاهد چنین اتفاقاتی نباشیم هرگز.

آگهی تغییرات شرکت طرح عمران غرب سهامی خاص به شماره ثبت ۲۳۳۶۹۷ و شناسه ملی ۱۰۱۰۲۷۴۶۸۵۶

به استناد صورتجلسه هیئت مدیره مورخ ۱۳۹۶،۰۳،۰۱ تصمیمات ذیل اتخاذ شد : - مریم مقدس به شماره ملی ۰۰۷۹۸۴۵۶۰۶ به سمت رئیس هیئت مدیره و محسن یحیی زاده به شماره ملی ۲۰۶۳۴۰۳۲۶۰ به سمت نایب رئیس هیئت مدیره و علیرضا احرامی به شماره ملی ۲۵۲۹۶۷۸۱۹۷ به سمت عضوء هیئت مدیره و صفر بهرامی به شماره ملی ۴۲۱۹۱۶۶۹۰۴ به سمت عضوء هیئت مدیره و نیلوفر نوری به شماره ملی ۲۵۶۰۰۸۷۱۱۱ به سمت مدیر عامل (خارج از سهام داران و اعضای هیئت مدیره) تعیین گردیدند. - کلیه اسناد و اوراق بهادار و تعهدآور شرکت از قبیل چک ، سفته ، برات ، قراردادها و عقود با امضای مدیرعامل به تنهایی همراه با مهر شرکت و اوراق عادی و اداری با امضای مدیرعامل به تنهایی همراه با مهر شرکت معتبر می باشد.

سازمان ثبت اسنادواملاک کشور اداره ثبت شرکت ها و موسسات غیر تجاری تهران (۲۵۳۹۴۹)

آگهی تغییرات شرکت سرزمین سبز پایدار سهامی خاص به شماره ثبت ۲۳۶۸۲۱ و شناسه ملی ۱۰۱۰۲۷۷۷۱۶۴

به استناد صورتجلسه مجمع عمومی عادی بطور فوق العاده مورخ ۱۳۹۷،۰۳،۲۱ تصمیمات ذیل اتخاذ شد : آقای رسول جلالی بشماره ملی ۱۲۸۵۳۸۳۲۷۳ بسمت مدیرعامل و عضو هیئت مدیره ، آقای محمد جادری بشماره ملی ۱۹۸۹۴۲۳۷۳۶ بسمت رئیس هیئت مدیره و خانم زهره حسین زاده بشماره ملی ۱۷۵۶۹۰۶۹۱۲ بسمت نائب رئیس هیئت مدیره برای مدت ۲ سال انتخاب گردیدند. حق امضاء کلیه اوراق و اسناد بهادار و تعهد آور شرکت از قبیل چک، سفته، بروات، قراردادها و عقود اسلامی و اوراق عادی و اداری با امضاء رئیس هیئت مدیره بتنهائی همراه با مهر شرکت معتبر می باشد.

سازمان ثبت اسنادواملاک کشور اداره ثبت شرکت ها و موسسات غیر تجاری تهران (۲۵۳۹۵۲)

آگهی تغییرات شرکت تعاونی اتحادیه مرکزی اتحادیه های استانی فرش دستباف روستایی ایران به شماره ثبت ۶۷۸۴۷ و شناسه ملی ۱۰۱۰۱۱۲۷۹۴۷

به استناد صورتجلسه مجمع عمومی عادی بطور فوق العاده مورخ ۱۳۹۷،۰۵،۱۴ و مجوز شماره ۶۰،۱۳۲۲۹۸ مورخ ۱۳۹۷،۵،۲۱ مرکز فرش ایران (وزارت صنعت ، معدن و تجارت) تصمیمات ذیل اتخاذ شد : صورت‌های مالی سال ۱۳۹۶به تصویب رسید . آقایان محمد پور مهدی‌آبادی به شماره ملّی ۳۰۷۱۵۲۹۳۸۴ و کامل واردان به شماره ملّی ۱۷۳۸۸۴۸۱۵۹ به عنوان بازرسین اصلی و آقایان عبدالله فتحی به شماره ملّی ۳۸۵۹۵۳۷۷۶۸ و حمیدرضا شیخ علیان به شماره ملّی ۳۸۷۲۵۶۱۱۷۰ به عنوان بازرسین علی‌البدل برای مدت یکسال مالی انتخاب گردیدند .

سازمان ثبت اسنادواملاک کشور اداره ثبت شرکت ها و موسسات غیر تجاری تهران (۲۵۳۹۵۵)

آگهی تغییرات شرکت آبادگران آذر اندیشه سهامی خاص به شماره ثبت ۴۲۸۱۲۳ و شناسه ملی ۱۰۷۰۰۱۲۱۰۷۰

به استناد صورتجلسه مجمع عمومی عادی بطور فوق العاده مورخ ۱۳۹۵،۱۲،۱۴ تصمیمات ذیل اتخاذ شد : آقای صاحب امینی ک.م ۴۹۳۹۸۸۰۶۲۱ به سمت بازرس اصلی و آقای جواد جلیلوند ک.م ۴۹۳۰۰۲۴۸۷۰ به سمت بازرس علی البدل برای مدت یکسال مالی انتخاب شدند . اعضاء هیئت مدیره برای مدت دوسال به قرار ذیل تعیین گردیدند: آقای امیر حسین زاده ک.م ۴۹۳۹۳۹۶۳۲۰ به سمت مدیر عامل و عضو هیئت مدیره و خانم الناز ترشحی فاضل ک.م ۱۴۶۱۵۵۲۹۵۸ به سمت نائب رئیس هیئت مدیره و آقای رضا حسین زاده ک.م ۴۹۳۹۹۲۲۲۹۴ به سمت رئیس هیئت مدیره . کلیه اسناد و اوراق بهدار تعهد آور شرکت از قبیل چک ، سفته، بروات، قراردادها و عقود اسلامی و همچنین نامه های عادی و اداری با امضای مدیر عامل یا رئیس هیئت مدیره همراه با مهر شرکت معتبر است .

سازمان ثبت اسنادواملاک کشور اداره ثبت شرکت ها و موسسات غیر تجاری تهران (۲۵۳۹۵۸)

دادنامه

پرونده کلاسه ۹۶۰۹۹۸۷۷۱۰۱۰۰۸۵۷ شعبه اول دادگاه عمومی حقوقی شهرستان بوشهر تصمیم نهایی شماره ۹۷۰۹۹۷۷۷۱۰۱۰۰۴۵۸ خواهان: آقای عبدالله انصاری فرزند حیدر با وکالت خانم فاطمه زارعی فرزند عبدالحسین به نشانی بوشهر، میدان امام، ساختمان بانک کار آفرین، طبقه ۲، واحد۲- کد پستی ۷۵۱۵۷۵۱۹۹۰ - تلفن همراه ۰۹۱۷۳۷۲۶۲۷۵ خواندگان: ۱.آقای عبداله دشتی فرزند علی ۲. آقای عبدالرسول اشعری فرزند غلام همگی به نشانی مجهول المکان خواسته: الزام به تنظیم سند رسمی ملک به نام خدا در تاریخ ۹۷/۵/۱ در وقت فوق العاده جلسه شعبه اول دادگاه عمومی حقوقی شهرستان بوشهر به تصدی امضاء کننده ذیل تشکیل پرونده کلاسه ۹۶۰۸۷۹ تحت نظر است ، دادگاه با بررسی محتویات آن ختم دادرسی را اعلام و به شرح ذیل مبادرت به صدور قرار می نماید. «قرار دادگاه» در خصوص دعوی آقای عبداله انصاری با وکالت خانم فاطمه زارعی به طرفیت ۱.آقای عبداله دشتی فرزند علی ۲. آقای عبدالرسول اشتری فرزند غلام هر دو مجهول المکان مبنی بر الزام به تنظیم سند رسمی ملک به پلاک ثبتی ۱۰۸/۶۱۹ بخش دو بوشهر نظر به اینکه وکیل خواهان به شرح جلسه دادرسی مورخ ۹۷/۵/۱ دادخواست خود را مسترد داشته است، لذا دادگاه با استناد به بند الف ماده ۱۰۷ قانون آئین دادرسی مدنی قرار ابطال دادخواست صادر و اعلام می دارد. رای صادره ظرف مدت ۲۰ روز پس از ابلاغ قابل تجدید نظر خواهی در محاکم تجدید نظر استان بوشهر می باشد. دفتر ثبت دادنامه وفق مقررات ابلاغ فرمایید.

م الف: ۹۷۴/ دادرس علی البدل شعبه اول دادگاه عمومی حقوقی بوشهر - سید مجتبی میر حسینی

آگهی حصر وراثت

خانم مینا امام وردی دارای شناسنامه شماره ۰۵-۴۰۳۰۱۹-۰۰۱ به شرح دادخواست به کلاسه ۹۷/۹۹۹/۸ از این شورا درخواست گواهی حصر وراثت نموده و چنین توضیح داده که شادروان سعید امام وردی به شناسنامه شماره ۱۸۴۷ در تاریخ ۱۳۹۷/۶/۱۰ اقامتگاه دائمی خود بدود زندگی گفته، ورثه حین الفوت آن مرحوم منحصر است به:
۱. ضیاء اله امام وردی متولد ۱۳۰۸ ش.ش: ۱۳ فرزند صادق پدر متوفی ۲. مژگان خرسند نیا متولد ۱۳۴۳ ش.ش: ۱۳۹۵۰ فرزند عزت اله همسر متوفی ۳. میثاق امام وردی متولد ۱۳۷۲ ش.ش: ۲-۰۴۹۷۶۲-۲۹۸ فرزند سعید پسر متوفی ۴. مینا امام وردی متولد ۱۳۷۰ ش.ش: ۵-۴۰۳۰۱۹-۰۰۱ فرزند سعید پسر متوفی اینک با انجام تشریفات مقدماتی درخواست مزبور را در یک نوبت آگهی می‌نماید تا هر کسی اعتراضی دارد و یا وصیتنامه از متوفی نزد او باشد از تاریخ نشر نخستین آگهی ظرف یک ماه به شورا تقدیم دارد والا گواهی صادر خواهد شد.

م الف: ۱۴۸۳۳/۹۷/ف /**رئیس شعبه شورای حل اختلاف کرج**